

نگاهی به تاریخ پیدایش و پیشینه فعالیت «قراولخانه‌های میرزاتقی‌خانی»

رقیبان «شرلوک هولمز» در مشهد عهد قاجار!

- نقش امیرکبیر در تأسیس قراولخانه‌های مشهد

شکل‌گیری نهاد قراولخانه، با این نام و با تعریف وظایف انتظامی مشخص برای آن، به دوران صدارت میرزاتقی‌خان امیرکبیر برمی‌گردد؛ به همین دلیل می‌توان این دسته از قراولخانه‌ها را «قراولخانه‌های میرزاتقی‌خانی» نامید. او برای تأمین امنیت، به‌ویژه در شهرهای بزرگی مانند مشهد، دستور ایجاد قراولخانه‌های متعدد شهری را داد. این قراولخانه‌ها هرچند شمار کمتری مأمور (گزمه‌های حکومتی) داشتند، به دلیل پراکندگی جغرافیایی می‌توانستند در مواقع ضروری سریع وارد عمل شوند و اقدامات لازم را انجام دهند. همین مسئله، هم فرصت ارتکاب جرم را کاهش می‌داد و هم احتمال گریز موفقیت‌آمیز مجرمان را به حداقل می‌رساند. بنابراین قراولخانه، باسبک و سیاقی که در تاریخ دوره قاجار می‌شناسیم، از ابداعات امیرکبیر است.

ساخت این مراکزابتدا در تهران تجربه شد و پس از آنکه کارآمدی‌اش به اثبات رسید، در شهرهای دیگر هم اجرا شد. نخستین قراولخانه‌های میرزاتقی‌خانی در مشهد، روز اول بهمن ۱۲۲۹ خورشیدی افتتاح شد.اهمیت‌ایجادقراولخانه‌ها به‌اندازه‌ای بود که پیش از آغاز فعالیت رسمی آن‌ها، خبرش را درنخستین شماره روزنامه «وقایع اتفاقیه» منتشر کردند.

این روزنامه در شماره نخست خود، به تاریخ پنجم ربیع‌الثانی ۱۲۲۷ قمری (۱۸ بهمن ۱۲۲۹ خورشیدی)، در صفحه اول نوشت:
اخبار خود دارالخلافه / در این اوقات از حسن تدبیر اُمنای دولت ایران، امنیت دارالخلافه (تهران) چنان است که دزدی و دغلی در آن کم می‌شود. به‌طوری‌که کمتر ذکر می‌شود و یک سبب امنیت، گذاشتن قراولخانه‌هاست در شهر و اسیال قراولخانه‌هایی چند در دارالخلافه بنا شد و اُمنای دولت قاهره معلوم کردند که بسیار بر امنیت شهر افزوده است. لذا منظور دارند که در شهرهای معظم سایر بلاد نیز قراولخانه بگذارند، از جمله حکم شد که در اول حوت (اسفند) در سی‌جای شهر مشهد قراولخانه بنا بگذارند.»
دلیل توجه ویژه به امنیت مشهد در آن زمان، موفقیت سرکوبی شورش حسن‌خان سالار توسط «حسام‌السلطنه» و البته با تدبیر امیرکبیر و نیاز به برقراری فوری امنیت در این شهر بود.

- فرق گذاشتن میان قراولخانه‌ها!

با این حال، به نظر می‌رسد شمار قراولخانه‌های شهر در آن زمان به عدد ۳۰ نرسید. این قراولخانه‌ها مسئولیت تأمین امنیت در محدوده شهری را بر عهده داشتند؛ به عبارت دقیق‌تر، حوزه استحفاظی آن‌ها تا فضای داخلی باروهای مشهد بود. مرکزیت قراولخانه‌های مشهد نیز با قراولخانه «ارگ» بود.

علت این تمرکز، اهمیت حفاظت از دارالحکومه و محل استقرار حاکم خراسان در این محدوده بود. قراول‌ها (مأموران یا گزمه‌ها) موظف بودند در سه شیفت گشت‌زنی‌کنند و به‌ویژه در شب‌ها تعداد گشت‌ها را افزایش دهند. آن‌ها باید هر فرد مشکوکی را بازخواست می‌کردند و مطابق رسم قدیم، در بازار می‌گشتند و حتی قفل مغازه‌ها را واری می‌کردند. این مأموران به محض اطلاع از وقوع جرم خود را به محل می‌رساندند و روندی را که امروز بر عهده «اکیپ کشف جرم» در اداره آگاهی است، با شیوه‌های خود آغاز می‌کردند تا مدارک لازم را برای ارائه به قاضی جمع‌آوری و آماده‌کنند.

درواقع نگهبانان قراولخانه‌ها عهده‌دار فعالیت‌های کارآگاهی بودند و باید فنون مربوط به آن را می‌شناختند. با این همه، تا پیش از



خبر تأسیس قراولخانه‌ها در مشهد، شماره نخست وقایع اتفاقیه

مرضیه ترابی ا تأمین امنیت در جوامع بشری، همیشه دغدغه‌ای اساسی بوده است. این امنیت فقط حفاظت اولیه از مکان‌های زیست انسانی را دربرنمی‌گرفت، بلکه بخش مهمی از آن به کشف جرم، تعقیب مجرمان و دستگیری آن‌ها برای اجرای عدالت مربوط می‌شد. به همین دلیل، از دیرباز ساختارهای منظم انتظامی در شهرهای جهان وجود داشته‌اند و همین ساختارها، در گذر زمان و با توسعه و ترمیم، به سازمان‌های انتظامی امروزی تبدیل شده‌اند. «قراولخانه» به‌عنوان نهادی حدواسط میان دوران قدیم و عصر فعالیت نظمیه، بخشی از روند شکل‌گیری دستگاه انتظامی شهری در ایران را تشکیل می‌داد. برخی به‌اشتباه قراولخانه را همان نظمیه می‌پندارند و گمان می‌کنند تفکیکی میان این دو وجود نداشته است، درحالی‌که چنین نیست. قراولخانه پیش از آنکه مانند نظمیه نهادی نوین باشد، ساختاری سنتی و برخاسته از تجربه‌های ایرانی داشت.

واژه قراولخانه از دو بخش «قراول» به‌معنای نگهبان، دیده‌بان و سرپا و «خانه» تشکیل شده است و میراث آمیختگی زبان ترکی، مغولی با ادبیات فارسی در دوره ایلخانی به شمار می‌آید. قراولخانه در دوران قاجار، درواقع پست نگهبانی انتظامی شهری محسوب می‌شد و تحت نظر قراولخانه‌ای مرکزی فعالیت می‌کرد؛ مرکزی که در برخی دوره‌های تاریخی آن را با نام «داروغه‌خانه» می‌شناختند. البته این نام در دوره‌های بعد منسوخ شد و به‌تدریج، عنوان قراولخانه را به همه مراکز تأمین امنیت شهری تعمیم دادند. مأموران فعال در قراولخانه‌ها، معمولاً گزمه‌های کارآزموده‌ای بودند که علاوه بر توان جسمی و مهارت‌های نظامی، هوش لازم برای انجام وظیفه خود را داشتند و می‌توانستند از عهده حل مسائل رایج در حوزه تأمین امنیت شهری به خوبی برآیند.



تعدادی قراولخانه روی نقشه دالمج

ماجرای مهربانی مردم ارض اقدس که کمک‌رسان فرزندان زنی محتاج و بیمار شدند

مشهد و سه‌قلوهای ساراخاتون



پدر سه‌قلوها به قول خودش شانزده سال است که داماد شده و اکنون هشت‌فرزند دارد که دوتای آن‌ها پسر و بقیه دختر می‌باشند و با آنکه وضعیت مالی‌اش فوق‌العاده خراب است واه در بساط ندارد، از سه‌قلوهای خود راضی است.»
خبر سه‌قلوایی اگرچه هیجان‌انگیز است، اما خیلی عجیب نیست و هدف ما هم از نوشتن این خبر قدیمی پرداختن به این موضوع نیست، بلکه آنچه در ادامه اتفاق می‌افتد بسیار جذاب است. این اتفاق، رویدادی

تشکیل نظمیه در ایران بامدیریت «کنت دومونت فورت» و در نیمه دوم دوره ناصرالدین شاه، عملاً از شیوه‌های کلاسیک جرم‌شناسی برای کشف جرم و مجرم استفاده نمی‌شد و قراولخانه‌ها، به‌عنوان بیشکام حضور در صحنه جرم، بیشتر به روش‌های سنتی و تجربی متکی بودند. این تشکیلات تا سال ۱۲۹۵ قمری/ ۱۲۵۷ خورشیدی و زمان تنظیم‌متن سرشماری «نفوس ارض اقدس» به قلم زین‌العابدین میرزایی قاجار، آیین‌نامه اجرایی دقیقی نداشت.

مأموران قراولخانه با لباس متحدالشکل شناخته می‌شدند، اما رسیدگی بیشتر نصیب قراولخانه‌هایی می‌شد که به قول معروف «در چشم» بودند. برای نمونه، مأموران دو قراولخانه مستقر در اطراف ارگ حکومتی، که در جنوب‌غربی مشهد و آن سوی محله مشهور سرپاب قرار داشت، بیشتر از رسیدگی دستگاه حکومتی برخوردار بودند.

ادیب‌الممالک فراهانی در شماره ۱۰ روزنامه «ادب» (سال نخست)، به تاریخ هفتم ذی‌القعدة ۱۳۱۸ قمری (هشتم اسفند ۱۲۷۹ خورشیدی)، به این موضوع، البته سربسته و ذیل‌گزارشی با موضوعی دیگر، اشاره می‌کند و می‌نویسد: «از طرف کارگزاران حضرت‌ایالت کبری مذبله‌العالی حکم اکید و دغدغن صریح به مرمت قراولخانه‌های شهر و تعویض لباس مستحفظین قراولخانه‌های ارگ و قونسولخانه‌ها صادر شده است و نیز می‌خواهند یک دسته سوار ژاندارم به وضع مخصوص، برای حفظ حدود بلد (دیوارهای شهر) تشکیل و مقرر فرمایند.»

- چند تا قراولخانه؟!‌

برخی پژوهشگران معاصر، با استناد به نقشه «مک‌گروگر» از مشهد، تعداد قراولخانه‌ها را در سال ۱۲۹۲ قمری (۱۲۵۴ خورشیدی) حدود هفت قراولخانه می‌دانند؛ درحالی‌که در نقشه «دالمج» مربوط به سال ۱۲۸۴ قمری (۱۲۴۶ خورشیدی)، دست‌کم ۳۲ قراولخانه در سطح شهر مشهد قابل شمارش است.

بیشترشمار این قراولخانه‌ها در بخش شرقی مشهد قرار داشت؛ در نواحی‌ای مانند پایین‌خیابان، عیدگاه، نوغان و بخش‌هایی از محله سرشور قدیم. این پراکندگی نشان می‌دهد که نخست، تراکم جمعیت در این نواحی بیش از دیگر بخش‌های مشهد بوده است و دوم، به‌سبب استقرار جمعیت بیشتر، این مناطق جرم‌خیزتر بوده و به نگرهانی قبیق‌تر و گسترده‌تری نیاز داشته‌اند. این قراولخانه‌ها در کوچ‌پس‌کوچه‌های شهر مستقر بودند و فقط در خیابان‌های اصلی قرار نداشتند. اشاره به برخی مکان‌هایی که برای ساخت قراولخانه در نظر گرفته شده بود، خانی از لطف نیست، محوطه پاچنار (سراب)، تکیه قصاب‌ها (عیدگاه)، حوض چهل‌پایه (سرشور)، راسته تیمچه خان سالار (سرشور)، جنب تکیه کربلایی معصومه (سراب)، جنب تکیه خالق داد (نوغان)، تخت داروغه (پایین‌خیابان)، حمام پاچنار (بالاخیابان) و... نام «قراولخانه» امروز هم در برخی کوچه‌ها و گذرهای قدیمی مشهد به یادگار مانده است و بسیاری از اهالی، بی‌آنکه پیشینه و معنای این نام را بدانند، آن را به کار می‌برند.
محمدتقی سپهر در «ناسخ‌التواریخ» (جلد سوم)، تأسیس قراولخانه‌ها را عامل افزایش امنیت و رونق زیارت در مشهد دانسته است. این نهاد که امیرکبیر در سال ۱۲۲۹ خورشیدی و در دوره حکومت «حسام‌السلطنه» بر خراسان پایه‌گذاری کرد، تا چند دهه بعد دوام آورد و سرانجام تشکیلاتش با نظمیه درآمیخت و ساختاری تازه برای تأمین امنیت شهری پدید آورد.

چکار کنم، ساراخاتون هنوز تحت‌معالجه است و امکان دارد در طرف همین چند روز مرخص شود. این سه‌قلوها که دو تا پسر و یکی دختری می‌باشند جسماً سالم و طبیعی هستند ولی معلوم نیست که به چه شکلی باید بزرگ‌شوند زیرا که مادرشان که زن ضعیف و رنجوری است، شاید از عهده شیر دادن به یکی از آن‌ها هم بر نیاید و در صورتی می‌تواند اطفال خود را تغذیه کند که لااقل خودش نان و آبی داشته باشد. جا دارد که افراد خیر و نوع‌پرست با کمک خود، زندگی‌وی را تأمین نمایند. در تمام دنیا مرسوم است که نسبت به این اشخاص توجه نموده و زندگی آنان را تأمین می‌نمایند. در ایران نیز معمولاً از طرف دربار شاهنشاهی به این‌گونه مادران مساعدتی می‌شود، حال نسبت به این مادر چه‌اقدامی صورت‌گیرد، درآئیه نزدیکی روشن خواهد شد.»

صبح فردای ۲۰ بهمن ۱۳۳۲ مشهدی‌هایی که کله‌سحر از خواب بیدار شده و روزنامه صبح را خریده بودند، با دیدن این خبر بی‌کار نمی‌نشینند و هر کدام با پول، لباس یا قوطی شیرخشک به بیمارستان شاهرضا می‌روند و تقاضای ملاقات با ساراخاتون را دارند یا سراغ عباسعلی‌رامی‌گیرند. این خبر از چشم خبرنگاران دور نمی‌ماند و آنان در چند شماره بعد خبر کمک‌رسانی و نوع دوستی مشهدی‌ها را منتشر می‌کنند.
سوای این مسئولان نیشابور هم قول مساعدت‌هایی را به عباسعلی، برای تأمین مخارج فرزندانش می‌دهند.

مشهد گردی

خانه تاریخی ملک؛ مقصدی نو برای گردشگری هویت‌محور در مشهد

گذار از موزه‌گالری به مرکز نوآوری صنایع دستی و گردشگری



ایلا کوچک‌زاده، هم‌زمان با صدوپنجاه‌وپنجمین سالروز تولد حاج حسین ملک در خردادماه، جمعی از مشهدگردان و فعالان حوزه فرهنگ و گردشگری در قالب برنامه‌ای ویژه از خانه تاریخی وی در خیابان امام خمینی ^(۵) (ارگ قدیم) بازدید کردند. این عمارت که روزگاری محل سکونت و ستاد مدیریت املاک وسیع بزرگ‌ترین واقف تاریخ معاصر ایران بود و بعدها خانه صنایع دستی، اکنون با رویکردی تازه به «مرکز نوآوری خانه خلاق میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان» تبدیل شده است.

- از خانه شخصی تا مرکز نوآوری

حاج حسین ملک که سال ۱۲۵۱ شمسی در تهران متولد شد، در سال ۱۲۸۴ برای اداره املاک پدری به مشهد نقل مکان کرد. وی که به مدت پنجاه سال اجاره‌دار املاک آستان قدس رضوی بود، ثروت کلان خود را در مسیروقف از جمله کتابخانه و موزه بزرگ ملک در تهران، باغ وکیل آباد مشهد و بیمارستان‌های متعدد و... به کار گرفت. محمدعلی اسلامی‌ندوشن درباره او گفته است: «نمی‌پندارم در هیچ جای دنیا این‌گونه باشد که مردی چنین دستاوردی از یک عمر به جای بگذارد، او گویی یک‌باره عاشق شده بود.»

اما نکته تاریخی درخور تأمل این است که عمارت مسکونی وی در مشهد و در حاشیه خیابان ارگ (امام خمینی ^(۶) فعلی) برخلاف سایر دارایی‌هایش وقف نشد، بلکه سال ۱۳۸۰ توسط سازمان میراث فرهنگی از دختری وی خریداری شد تا به عنوان میراثی ارزشمند برای شهر مشهد حفظ شود.

- چشم‌انداز آینده، رونق گردشگری و حمایت از ایده‌های خلاق

دکتر فرید جواهرزاده، مدیر خانه ملک، در جمع گردشگران از تغییر کاربری این مکان به «مرکز نوآوری و خانه خلاق» خبر داد. وی تأکید کرد، «این مرکز قرار است بستری برای حمایت از صاحبان ایده در حوزه‌های گردشگری، هویت شهری و صنایع دستی باشد. هدف ما این است که خانه ملک از یک اثر تاریخی صرف، به یک مقصد گردشگری پویا تبدیل شود که تمامی روزهای هفته با ساعات بازدید طولانی‌تر، پذیرای شهروندان و زائران باشد.»

در حاشیه این رویداد، آیین نقالی بر لبه حوض فیروزه‌ای حیاط برگزار شد و بازدیدکنندگان از غرفه‌های دائمی صنایع دستی که در اتاق‌هایی در طبقه پایین خانه برپاست، دیدن کردند. این غرفه‌ها که محل خلق آثاری نظیر مرق، تذهیب و سفالگری است، اکنون بخشی از پیکره زنده این میراث ماندگار هستند.

- تغییرات خانه ملک در گذر زمان

در جریان این بازدید، روایاتی از پویایی خیابان ارگ در دهه‌های گذشته بازخوانی شد. ارگ که به عنوان اولین خیابان مدرن مشهد شناخته می‌شود، هم‌زمان با جشن‌های هزاره فردوسی ساخته شد و رونق گرفت و با سینماها و کافه‌های خنکش، قلب تپنده شهر بود. اما دقیقاً هم‌زمان با ساخت این خیابان در دهه اول سال ۱۳۰۰ خورشیدی بود که بخش اصلی خانه ملک تخریب شد. درواقع آنچه امروز به عنوان «خانه ملک» می‌بینیم، تنها یک سوم بنای گذشته است که در سه دوره از میان رفته‌اند.

بخش غربی (نمای اصلی)، در گذشته، بخش اصلی خانه به سمت پیاده‌روی‌های خیابان ارگ کشیده شده بود که با ساخت خیابان ارگ امروزی در صد سال پیش، تخریب شد و حیاطی که زمانی میانی بود، اکنون به حیاط اصلی و ورودی نما تبدیل شده است. بخش شمالی بنا جایی که اکنون محل یک شرکت بیمه است، پیش‌تر بخشی از این عمارت بوده و بخش جنوبی نیز به پارکینگ شهرداری تبدیل شده است. اما در هرصورت این خانه را باید به عنوان یک بنای قاجاری با حیاط مرکزی شناخت که زمانی ساختمان‌ها دورتا دور بنا را گرفته بودند.



- معماری؛ رقص آجر و چوب در ۲ طبقه

خانه ملک، نمونه بارز «معماری دوران گذار» است. در حالی که نمای بیرونی کاملاً به سنت‌های ایرانی و آجرکاری اصیل وفادار مانده، پلان‌های داخلی و چیدمان فضاهای دو طبقه، تحت‌تأثیر معماری اروپایی طراحی شده‌اند تا مناسب نیازهای زندگی مدرن باشند.

این عمارت در محوطه‌ای مستطیل‌شکل به مساحت ۱۶۵۹ مترمربع قرار گرفته است که خود بنا در دو طبقه و با زیربنای حدود ۶۰۰ مترمربع از این فضا را اشغال کرده است. پیچیدگی‌های معماری این خانه در جزئیات ظریف آن نهفته است؛ رخ‌بام‌ها و دندان‌موشی‌ها و پافیلی‌ها در نمای ورودی در کنار آجرهای مهری و ستوری‌ها و بهره از تکنیک حمیل‌بندی (انوارهای کاشی آبی‌رنگ مابین آجرها که به شکل گل و شکل‌های هندسی درآمده است).

اما داخل خانه، سقف‌ها داستانی متفاوت روایت می‌کنند: در طبقه پایین، سقف به صورت «تیرپوش چوبی» است. در این نوع سقف، چوب‌های نازک و ریز (پرواز)، بین تیرهای اصلی و قطور یا همان تیرپوش‌های چوبی نگه‌دارنده، قرار گرفته‌اند. اما سقف چوبی طبقه بالا، نشان‌دهنده اشرافیت و ثروت حاج حسین ملک است. سقف پالکی که از تکه‌های چوب منبت‌کاری شده تشکیل شده است. این تکه‌ها با نقش گل‌ر و طرح‌های ظریف به هم متصل شده‌اند و شکوهی بی‌نظیر به فضای داخلی بخشیده‌اند.

حیاط اصلی که اکنون از غرب به آن دسترسی داریم، ویژگی‌های کلاسیک «باغ ایرانی» را دارد. این حیاط به سبک باغ‌های ایرانی یا «چهارباغ» طراحی شده و در مرکز آن، حوض اصلی قرار دارد که نمادی از نمره بهشت و آرامش است. با تبدیل شدن این عمارت به «مرکز نوآوری خانه خلاق میراث فرهنگی»، امید است که این میراث زنده، نه تنها با حفظ سازه‌های آجری و چوبی‌اش، بلکه با جذب خلاقیت‌های نسل جدید، پویایی بیشتری کسب کند.

شهریار

۳شنبه
۱۲ خرداد ۱۴۰۵
شماره ۳۷۷

۱۵



تاریخ و هویت